

دو ماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه

سال ۶، شماره ۱۹، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۷

«زرین‌ملک و امیرارسلان: دو متن از یک نقال»

هادی یآوری^{۱*} هاشم صادقی محسن‌آباد^۲ مهرداد علیزاده شعرباف^۳

(تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۱۸، تاریخ پذیرش: ۹۶/۸/۲۲)

چکیده

در این پژوهش درستی انتساب متن زرین‌ملک به نقیب‌الممالک و ارتباط آن به دربار قاجاری بررسی و ارزیابی شده است. به این منظور گزاره‌های قالبی مشترک میان این متن و دو اثر دیگر نقیب‌الممالک، یعنی *امیرارسلان* و *ملک‌جمشید* را استخراج و بررسی کرده‌ایم. هر چند گزاره‌های قالبی، تمهید مشترک روایی در متون کلاسیک است؛ اما با توجه به تمایز نحوه به‌کارگیری و تفاوت صور بلاغی می‌تواند در تعیین سبک شخصی و شناخت خالق اثر نقش مهمی ایفا کند. گزاره‌های قالبی مشترک سه متن در این پژوهش به هشت دسته گزاره‌های قالبی آغازگر، پایانی، توصیفی، میان‌متنی، تشبیهی، سوگند، دشنام و دعا بخش‌بندی شده است. علاوه بر گزاره‌های قالبی، دیگر الگوهای همسان مشترک سه متن، در سه بخش ابیات، اسامی و طلسم‌های مشترک بررسی شده‌اند. بر پایه همسانی پربسامد این الگوها و گزاره‌های قالبی مشترک می‌توان متن نسخه‌خطی *زرین‌ملک* را از نقیب‌الممالک، نقال دربار ناصرالدین‌شاه قاجاری، دانست.

واژه‌های کلیدی: زرین‌ملک، نقیب‌الممالک، گزاره‌ی قالبی، امیرارسلان، ملک‌جمشید، طلسم آصف و حمام بلور.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه نیشابور.

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه نیشابور.

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه نیشابور (نویسنده مسئول).

* mehrdadalizade1990@gmail.com

۱. مقدمه

متن **زرین‌ملک** تاکنون دوبار توسط انتشارات علمی (بی‌تا) و انتشارات ققنوس (۱۳۹۴) (به نام ملک‌بهمن و منسوب به ابن فریدون‌شاه خطایی) منتشر شده است؛ اما در هر دو چاپ، نام دقیق اثر و همچنین مؤلف و نیز دوره شکل‌گیری داستان مغفول و مجهول مانده است. علاوه بر دخل و تصرفاتی که هر دو ناشر در اثر داشته‌اند، هیچ کدام درصدد برنیامده‌اند که این متن در چه دوره‌ای نقل شده و نقل متن که بوده است. در این گفتار، نگارندگان با توجه به گزاره‌های قالبی و نیز الگوهای همسان متون، انتساب زرین‌ملک به نقیب‌الممالک را مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهند.

نسخه خطی متن زرین‌ملک به شماره [oai:ut.ac.ir:book/238104-1100](http://oai.ut.ac.ir:book/238104-1100) در کتابخانه دانشگاه تهران موجود است. این نسخه به خط شکسته‌نستعلیق با تعداد سطر متغیر کتابت شده است. متن با «بسم‌الله الرحمن الرحیم» شروع شده و در ۱۶۹ صفحه پایان می‌پذیرد. گفتنی است تقریباً از شروع ربع اول، خط متن تغییر می‌کند که این مسئله را می‌توان احتمالاً به حساب تغییر کاتب گذاشت. بعد از اتمام دوچهارم، خط متن دوباره تغییر می‌کند و مانند خط نخستین می‌شود.^۱

۲. پیشینه تحقیق

۱. یادداشت معیرالممالک در مقاله «رجال عصر ناصری» در مجله **یغما**، شماره ۱۲، اسفند ۱۳۳۴ درباره **امیرارسلان و زرین‌ملک** یکی از مهم‌ترین منابع برون-متنی اظهارنظر درباره نحوه شکل‌گیری دو متن **امیرارسلان و زرین‌ملک** است.
۲. کتاب **امیرارسلان** به تصحیح محمدجعفر محجوب توسط سازمان کتاب‌های جیبی در سال ۱۳۴۰ منتشر شده و در مقدمه آن نکته‌های ارزشمندی درباره **امیرارسلان** و قصه‌های عامیانه آورده شده است.
۳. مقاله «نقش بافت و مخاطب در تفاوت سبک امیرارسلان و ملک‌جمشید» از محمود فتوحی و هادی یاوری چاپ‌شده در مجله **جستارهای ادبی**، شماره ۶۷، زمستان ۱۳۸۸. پژوهندگان در این مقاله به بررسی تفاوت‌های سبک نثر دو اثر **امیرارسلان و ملک‌جمشید**، **طلسم آصف و حمام بلور** می‌پردازند. هدف از این

پژوهش، نشان دادن نقش عوامل بافتی و زمینه آفرینش در تفاوت سبک نثر این دو اثر در سه حوزه ساختارهای نحوی، واژگان و ترکیبات عامیانه و گزاره‌های قالبی است.

۴. مجموعه مقالات محمدجعفر محبوب درباره ادبیات عامه که مجموعه انتشارات چشمه آن را در سال ۱۳۸۸ منتشر کرده است. در این مجموعه، محبوب ذیل مقاله‌ای، در پی درستی انتساب متن *ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور* به نقیب‌الممالک با توجه به گزاره‌های قالبی مشترک میان این متن و متن *امیرارسلان* است. محبوب در این مقاله صرفاً گزاره‌های قالبی را ملاک کار خود برای صحت انتساب دو متن از یک نویسنده قرار داده است

۵. کتاب *از قصه به رمان* تألیف هادی یاوری چاپ شده در سال ۱۳۹۰. پژوهنده در این کتاب سعی در نشان دادن اهمیت دوره قاجاری به‌ویژه متن *امیرارسلان* در گذار ژانر رمانس به داستان‌گویی مدرن دارد.

نخستین منبعی که به وجود این اثر اشاره می‌کند کتاب *یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین‌شاه* است (تاریخ چاپ نخست پیش از سال ۱۳۳۴) که در آن معیرالممالک از قصه‌های امیرارسلان و زرین‌ملک یاد می‌کند که در دربار ناصرالدین‌شاه نقل شده‌اند و فخرالدوله، دختر ناصرالدین‌شاه هر دو را کتابت می‌کرده است.

دوستعلی معیرالممالک ما را از وجود متنی به نام *زرین‌ملک* که از آن نقیب‌الممالک است، آگاه می‌کند. در بخش‌های بعدی این پژوهش، با توجه به گزاره‌های قالبی و الگوهای همسان مشترک، مشخص خواهد شد که این متن از نقیب‌الممالک و همان است که معیرالممالک از آن به داستان *زرین‌ملک* یاد می‌کند. در راستای همین انتساب، شاهد مثال‌هایی که از متن *زرین‌ملک* آورده می‌شود، از متن نسخه خطی خواهد بود؛ زیرا در هر دو متن چاپی متن -انتشارات علمی و ققنوس- دخل و تصرفاتی شکل گرفته که احتمالاً در راستای همه‌فهم کردن و امروزی کردن متنی تاریخی است. از جمله این دخل و تصرفات می‌توان به تبدیل کردن عباراتی نظیر «گنجور قدرت‌نما در خزانه افق را گشود و دست زرافشان آفتاب، جواهر کواکب را به زیر مخزن دامن آورد» به «روز شد»،

«آفتاب/ خورشید، سر به چاهسار مغرب کشید/ شب به سر دست درآمد» به «شب شد» اشاره کرد.

نگارندگان در پژوهش حاضر سعی در آوردن شواهد فراوان تر و مدون تر و به-علاوه دیگر الگوهای همسان میان متون را دارند.

۲. مقایسه و بررسی همسانی گزاره‌های قالبی زرین‌ملک با امیرارسلان و ملک-

جمشید

گزاره قالبی مهم‌ترین سازه زبانی - مفهومی ساختار قصه‌های عامیانه، و به‌ویژه قصه‌هایی است که از نظر زبانی با ادب کلاسیک در پیوند است.

پیشینه نظری مفهوم گزاره قالبی به پژوهش‌های محقق بزرگ شعر شفاهی، میلان پری درباره اشعار هومر و نظریات تکمیلی شاگرد او، آلبرت لرد برمی‌گردد که بعد از استادش به کار بست آرای او روی شعر شفاهی مردم یوگسلاوی پرداخت. لرد و پری از گزاره قالبی «گروهی از واژگان» را اراده می‌کنند که «به کرات تحت شرایط وزنی یکسان به کار گرفته می‌شوند تا بر یک انگاره اصلی تأکید کنند [...] این گزاره‌های قالبی خود در ساختی بزرگ‌تر «مضمون»ها را شکل می‌دهند و مضمون‌ها «گروهی از ایده‌هایند که در روایت یک قصه با سبک مبتنی بر گزاره قالبی به کار می‌روند [...] پس از لرد و پری، پژوهندگان دیگر، مفاهیم حوزه شعر شفاهی را بازخوانی و مفاهیم آن را اصلاح کرده‌اند. در نگاه اخیر، مفهوم شعر شفاهی گسترش می‌یابد و دیگر واژه Oral فقط افاده معنای متضاد Written را نمی‌کند و واژه Poetry مفهومی معادل Literature دارد [...] در این بازنگری گزاره قالبی این‌گونه تعریف شده است: «عبارتی تثبیت‌شده که در کنار مضمون‌های سنتی شعر شفاهی استقرار یافته است. گزاره قالبی برای فرم، در حکم مضمون است برای محتوا» و مضمون «واحد زیربنایی محتوا» است (به نقل از یوری، ۱۳۸۸: ۱۶۰).

با توجه به چنین کیفیت‌هایی است که می‌توان با استخراج، بررسی و مقایسه گزاره‌های قالبی برخی متون عامیانه با یکدیگر، به موضوعات مختلفی از جمله میزان اشتراک و افتراق این متون با هم، میزان بدیع بودن آن به نسبت دیگر آثار هم‌رده، میزان پیوند آن با سنت ادبی مرسوم و مانند آن پی برد. طبیعتاً با توجه به میزان اشتراک دو اثر

در گزاره‌های قالبی، با توجه به اینکه این گزاره‌های قالبی در حکم گنجینه محفوظات هر نقال است^۲، به‌خوبی می‌توان درخصوص وحدت خالق و برساننده این‌گونه آثار حکم کرد. از این رو در ادامه با بررسی برخی از مهم‌ترین گونه‌های گزاره‌های قالبی زرین‌ملک و آثار مسلم نقیب‌الممالک، به‌ویژه امیرارسلان، موضوع را پی می‌گیریم.

در این بخش مهم‌ترین گزاره‌های قالبی مشترک این متون در چند دسته گزاره‌های آغازگر، گزاره‌های پایانی، گزاره‌های توصیفی، گزاره‌های روایتی، گزاره‌های تشبیهی، گزاره‌های سوگند، دشنام و دعا دسته‌بندی می‌شوند و بسامد هر کدام از این گزاره‌های مشترک با ذکر سطر و صفحه براساس الگوی شماره سطر/ شماره صفحه مستند می‌شوند.

۱-۲. گزاره قالبی آغازگر

منظور از این گزاره‌ها، عبارت‌های قالبی آغازگر قصه‌ها یا روایت‌های فرعی گنجانده در دل قصه‌هاست. عبارت آغازگر قصه زرین‌ملک همانند *امیرارسلان* است: «و اما راویان اخبار و ناقلان آثار و طوطیان شکرشکن شیرین‌گفتار و خوشه‌چینان خرمن سخن‌دانی و صرافان سر بازار معانی و چابک‌سواران میدان دانش، توسن خوش‌خرام سخن را بدین‌گونه به جولان درآورده‌اند که ...» (ر.ک.ن.خ: ۱).

گزاره «و اما راویان اخبار و ناقلان آثار و طوطیان شکرشکن شیرین‌گفتار» تقریباً گزاره‌ای دست‌فروشد در میان عموم نقالان و قصه‌گویان بوده است، لیکن آنچه به آثار نقیب تشخص می‌دهد ادامه گزاره است: «و خوشه‌چینان خرمن سخن‌دانی و صرافان سر بازار معانی و چابک‌سواران میدان دانش، توسن خوش‌خرام سخن را بدین‌گونه به جولان درآورده‌اند که ...». حدس نگارندگان این است که گزاره قالبی آغازین از دیرباز دست‌خوش دگرگونی و گستردگی واژگانی شده است. اگر گزاره آغازین کتاب *حمزه‌نامه* را که کتابی مقدم بر متون است، در نظر بگیریم^۳ و با گزاره آغازین *حسین کرد شبستری*^۴ که متنی میان‌متن ما و متن *امیرحمزه صاحبقران* است، بسنجیم و این دو گزاره را با گزاره آغازین *امیرارسلان* و *زرین‌ملک* مقایسه کنیم، متوجه خواهیم شد که این بسط واژگانی در راستای شخصی‌سازی، امری مشهود و غیرقابل انکار است. گفتنی است که حتی در کتاب

قصه‌نوش آفرین گوهر تاج که به اعتقاد برخی محققان^۵ نقیب‌الممالک در روایات خویش از این متن تأثیر پذیرفته است^۶، با متن متفاوت است.^۷

۲-۲. گزاره قلبی پایانی

گزاره قلبی پایانی عموماً به چند عبارت پایانی داستان گفته می‌شود که ختم کلام نقال را در بر می‌گیرد. گزاره پایان‌دهنده به این آثار، در عین اطناب درونی - محتوایی این قصه‌ها، معمولاً بسیار موجز و فشرده بیان می‌شود، به گونه‌ای که این پیش‌فرض را به ذهن می‌آورد که راوی باید قصه را تا زمانی مشخص ادامه می‌داد و در موعدی مشخص آن را پایان می‌بخشید. در این جا برای اثبات این مدعا جمله/ جملات آخر هر سه کتاب را می‌آوریم:

زرین‌ملک:

از این جانب ملک‌فریدون شاه، تاج شاهی بر سر ملک‌سهراب گذاشت و خود به عبادت مشغول شد. ملک‌سهراب هم به امر پادشاهی خطا مشغول بود و گاهی ملک‌بهمن به شهر خطا می‌آمد و گاهی ملک‌سهراب با پدرش به دیدن ملک‌بهمن می‌آمدند و به شهر بلور می‌رفتند و از یکدیگر دیدن می‌کردند. به همین قسم سال‌های دراز به سر بردند و با زنان خود به عیش و نوش بودند و اولادهای اناث و ذکور از ایشان به هم رسید. همگی مردند. ایام از این جهان فانی به سرای جاودانی شتافتند (۱۷۰/۲۴).

گزاره پایانی دو اثر دیگر:

ملک‌جمشید: «ملک‌داراب و ملک‌فریدون شاه و شهبال شاه را با آذرچهر و جهان‌آرای پری و بانو به شهر خود خوانده، جشن‌ها و سورها بر ایشان برپا کرد و به همین نهج زندگی کردند تا آنکه سپاه مرگ شهربند وجودشان را مسخر نموده هادم‌اللذات بر ایشان بتاخت. فسبحان من لا یموت» (۱۵۰/۱۷).

امیر/ارسلان: «سال‌های دراز در این دار فانی داد عیش و عشرت و کامرانی دادند. سالی یک مرتبه به دیدن پطرس شاه می‌رفتند و او به دیدن ایشان می‌آمد تا به مرور ایام هر یک جهان فانی را وداع گفته به سرای جاودانی شتافتند و این داستان شیرین از ایشان به یادگار باقی ماند» (۵۳۶/۲۱).

در این جا طرح دو نکته لازم به نظر می‌رسد: اول سیر نزولی ناگهانی در آخر قصه است. راوی تا چند خط پایانی داستان خبری از نشانه‌های خاتمه بخشیدن به قصه را بروز نمی‌دهد؛ اما ناگهان آخرین جمله / خط داستان، ضربه‌ای ناگهانی به مخاطب وارد می‌کند. نکته دوم که پیوندی با بحث مذکور دارد این است که هر سه داستان در خط آخر ختم به مرگ می‌شود که به نظر نگارندگان این‌گونه خاتمه‌بخشی به داستان تعددی است که راوی قصد دارد مخاطب / روایت‌شنو را با جمله کوبنده «همگی مردند» تحت تأثیر قرار دهد.

۲-۳. گزاره‌های قالبی توصیفی

گزاره قالبی توصیفی جامعی است میان دو عنصر گزاره قالبی و توصیف. مقصود پژوهندگان در اینجا از توصیف، هر نوع عبارتی است که به وصف فضای قصه می‌پردازد. این نوع توصیفات و فضا سازی‌ها اگر به کرات در متن تکرار شود، حالت گزاره قالبی به خود می‌گیرد. گزاره‌های قالبی توصیفی را در چهار دسته توصیف زمان، توصیف جنگ و نبرد، توصیف طبیعت و توصیف افراد می‌توان بخش‌بندی کرد.

۲-۳-۱. توصیف زمان

«آفتاب / خورشید، سر به چاهسار مغرب کشید / شب به سر دست درآمد».

امیرارسلان: (۲۱/۱، ۶۸/۱، ۶۹/۳، ۸۲/۲۵، ۲۱۶/۳۰، ۲۱۷/۲۱، ۲۴۷/۱۹، ۲۶۳/۱۹، ۳۸۲/۱۱، ۴۲۷/۷، ۴۴۱/۱۱، ۴۷۶/۲۹).

زرین‌ملک: (۲۳/۱۸، ۲۴/۲، ۴۲/۱۶، ۵۹/۱۶، ۸۴/۱، ۹۱/۱۷، ۹۶/۲۴، ۱۴۱/۲۱، ۱۴۵/۳، ۱۷۰/۸).

ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۱۰/۸، ۵۵/۱۳، ۸۳/۴، ۱۳۸/۹).

«گنجور قدرت‌نما در خزانه افق را گشود و دست زرافشان آفتاب، جواهر کواکب را به زیر مخزن دامن آورد».

امیرارسلان: (۴۳/۹، ۸۳/۳، ۲۵۳/۱۱، ۲۵۹/۲۴، ۴۰۷/۴، ۴۶۱/۸، ۴۶۷/۳۰، ۴۷۶/۳۰، ۵۲۴/۲۴).

زرین ملک: (۱۱۴/۲، ۱۳۴/۱۲).

ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۱۳/۲۰).

«در برآمدن آفتاب عالم تاب / جهان تاب / نیر اعظم ... سر از بالش استراحت / خواب
ناز برداشت، به حمام رفت.»

امیرارسلان: (۳۵/۱۴، ۶۷/۲۳، ۸۴/۳، ۱۴۹/۲۱، ۳۳۲/۱، ۳۶۴/۵، ۳۹۵/۱۰، ۴۳۰/۱، ۴۳۳/۲۳،
۴۴۱/۲۶، ۴۷۴/۱، ۴۹۵/۴۹۳، ۲۵/۱۸، ۵۰۱/۱۰، ۵۰۴/۳، ۵۳۰/۱۴).

زرین ملک: (۵۸/۱، ۱۳۴/۱۶).

ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۶۲/۱۰).

«روز/روزانه دیگر که مرغ زرین بال آفتاب ندای قم باذن الله درداد.»

امیرارسلان: (۳۵/۱۰، ۳۱۵/۱۸، ۳۳۱/۱۶، ۳۸۹/۲۸، ۴۳۷/۱۷).

زرین ملک: (۲۲/۲۳، ۲۴/۱۴، ۴۴/۸، ۷۱/۷).

ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۱۱/۶).

«روز دیگر که آفتاب گل رنگ به امر ملک بافرهنگ از کوه‌های پر پلنگ و دریا‌های
پر نهنگ سر به در آورد و عالم را به نور جمال خود مزین کرد.»

امیرارسلان: (۱۱۹/۲۵، ۳۹۷/۳۰، ۴۴۱/۲۱).

زرین ملک: (۱۶۹/۱۵).

۲-۳-۲. توصیف جنگ و نبرد

به دلیل صبغه حماسی این متون، توصیف جنگ و نبرد بخش مهم و قابل توجهی شمرده
می‌شود. اغلب در تمامی صحنه‌های نبرد و حماسی، پهلوان داستان حضوری بدون
شکست دارد. به عبارتی هر چند هسته اصلی قصه، عاشقانه است، صحنه‌های نبرد
بیشتر و گونه‌گون‌تر از وصف دلدادگی‌های قهرمانان داستان است (یاوری، ۱۳۹۰: ۱۵۸).

«سر راه بر ... گرفت و طرید نبرد به جا آورد.»

امیرارسلان: (۳۲/۱۱، ۳۲/۲۶، ۱۹/۳۱۸).

زرین ملک: (۵۱/۲۵، ۵۹/۲۴، ۶۰/۱۵، ۹۷/۱۲، ۹۷/۱۳).

«برق تیغ از ظلمت غلاف کشید.»

امیرارسلان: (۳۳/۱، ۲۰۱/۶، ۲۰۱/۱۰، ۳۱۴/۲۳، ۳۱۹/۴، ۳۹۰/۱۹).

زرین‌ملک: (۶/۲۶، ۹۷/۱۹).

ملک‌جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۱۲۱/۱۷، ۱۴۵/۷).

«پنج انگشت چون خیار تر راست ایستاد/ مانند خیار به دو نیم کرد».

امیرارسلان: (۲۲/۱۰، ۳۳/۱۹، ۳۱۹/۱۹، ۳۸۵/۲۶، ۳۹۷/۱۲، ۴۱۷/۲۰، ۴۷۱/۱۷، ۴۸۲/۶).

زرین‌ملک: (۵۲/۲، ۵۶/۳، ۶۰/۲۴، ۸۶/۱۴، ۹۷/۱۷).

ملک‌جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۲۴/۲، ۱۰۹/۶).

«دامن یلی بر کمر پردلی زدن».

زرین‌ملک: (۲۳/۲۳، ۱۳۶/۲۳).

ملک‌جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۱۹/۱۷).

۳-۲. توصیف طبیعت

توصیف طبیعت بیشتر به باغ‌هایی معطوف است که قهرمان داستان آن‌ها را از نظر می‌گذراند. البته مشخص است که توصیف قلاع و زمین‌ها در هر دو داستان به صورت پراکنده به چشم می‌خورد؛ لیکن منظور ما از توصیف طبیعت، گزاره‌ی قالبی مشترک میان دو متن است که عیناً یا با اختلافی جزئی تکرار شده است.

«عجب جنگل / زمین باصفایی است، درختان سردسیری و گرمسیری، عرعر و صنوبر و شمشاد و سرو و کاج و فوفل سر به فلک کشیده و پا به کیمخت زمین استوار کرده».

امیرارسلان: (۵/۲، ۶۷/۲۵، ۴۱۱/۲۱، ۴۸۱/۴).

زرین‌ملک: (۲۳/۱، ۳۵/۸، ۸۳/۱۹، ۱۵۹/۴، ۱۶۲/۱۸).

ملک‌جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۲۰/۴).

۴-۳-۲. توصیف افراد

میرزا محمدعلی نقیب‌الممالک، برای عمق بخشیدن به داستان و شخصیت‌ها غالباً از گزاره‌های قالبی مشخصی استفاده می‌کند. توصیف حالات در کنار توصیف شخصیت و

چهره افراد - بیشتر قهرمانان اصلی داستان - تقریباً به مخاطب برای ترسیم شخصیت‌های داستانی کمک می‌کند، به عبارتی در این دو داستان، درباره قهرمانان اصلی حداقل ما با تیپ‌هایی^۸ مثل عیار، دزد، جوانمرد، قهرمان و ... سروکار نداریم؛ بلکه شخصیت‌ها دارای شخصیت‌پردازی - حتی مبتدیانہ - هستند.^۹

الف) ویژگی‌های مشترک میان انسان و عفریت

«آفتاب جمال، قد بااعتدال و زلف و خال».

امیرارسلان: (۱۷/۱، ۵۷/۲۰، ۱۱۷/۱۷، ۴۸۴/۱، ۵۲۱/۱۴).

زرین‌ملک: (۱۰۴/۹، ۱۱۹/۱۷، ۱۵۷/۱۲، ۱۶۵/۱۲، ۱۶۶/۱).

ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۷/۷، ۱۶/۱۲).

«هفت قلم مشاطه جمال کردن».

امیرارسلان: (۸/۶، ۱۱۴/۱۳، ۱۲۴/۱۹، ۱۹۶/۱۷، ۴۹۸/۳).

زرین‌ملک: (۱۱۰/۲، ۱۱۸/۸، ۱۴۸/۲۷).

ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۱۸/۱۱، ۲۷/۱، ۳۷/۱۹، ۱۱۱/۲، ۱۱۸/۱۵،

۱۲۹/۱، ۱۲۹/۱).

«مادر دهر قرینه‌اش را در وجود نیاورده».

امیرارسلان: (۳۲/۲۸، ۶۱/۱۳، ۸۸/۲۱، ۱۲۷/۱۰، ۲۹۲/۲۰، ۳۹۱/۸، ۳۹۵/۳۰، ۴۸۴/۳،

۵۲۱/۱۵).

زرین‌ملک: (۱۱۹/۶، ۱۲۲/۲۳، ۱۶۵/۱۴).

ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۷/۳).

«قد مثل سرو جویبار زندگانی، چهره چون طبق یاقوت رمانی / زلف چون دسته

سنبل دور گردنش ریخته / دو چشم چون دو نرگس شهلا».

امیرارسلان: (۱۷/۴، ۱۲۷/۱۳، ۴۹۹/۸، ۵۲۱/۲۰).

زرین‌ملک: (۱۱۶/۱۴، ۱۶۵/۱۵).

«اگر مانی نقاش سر از قبر بیرون بیاورد نمی‌تواند یک حلقه چشمش را بکشد».

امیرارسلان: (۵۷/۲۱، ۸۸/۲۳، ۲۶۱/۲۳، ۳۹۶/۱).

زرین‌ملک و امیرارسلان: دو متن از یک نقال _____ هادی باوری و همکاران

زرین‌ملک: (۱۶۶/۲، ۱۷/۲۰).

ب) ویژگی‌های مخصوص عفریت و پری

«شاخ‌ها قلاج قلاج از کاسه سرش به در رفته/ قد مثل منار، سر به طریق گنبد دوآر، چشم‌ها چون دوکاسه خون».

امیرارسلان: (۲۴۵/۲؛ ۲۶۳/۲۱، ۳۵۰/۲، ۴۱۳/۲۰، ۴۴۳/۶).

زرین‌ملک: (۱۳۹/۱۷، ۹۳/۱۸).

ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۷۰/۲، ۴۹/۹).

«باد در تنوره/ تنوره‌ها انداخت»^۱.

امیرارسلان: (۲۶۴/۳۰، ۲۶۶/۲۳، ۳۴۳/۱۷، ۳۴۸/۸، ۴۳۵/۲۹، ۴۶۳/۱۱، ۴۶۵/۲۸، ۴۶۸/۸،

۴۶۸/۲۵).

زرین‌ملک: (۵۴/۵، ۶۷/۲۶، ۷۳/۴، ۸۷/۲۱، ۹۳/۱۱، ۱۰۱/۱۸، ۱۱۵/۲۲، ۱۳۵/۲۸).

ج) حالت شادی - بزمی

«نقاره/ نقاره‌خانه شادی/ بشارت به نوازش درآوردند».

امیرارسلان: (۲۴۲/۱۰، ۱۱/۱۲، ۵۱۶/۴۳۲، ۵۱۹/۱۴، ۵۲۵/۹).

زرین‌ملک: (۲۵/۱۴، ۸۹/۱۱، ۱۴۷/۱۲).

ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۱۴۵/۱۷).

«زهرة/ ملک سر از دریچه فلک/ فلک بیرون آورده، سیر آن مجلس می‌نمود/ از رشک تماشای آن مجلس غمگین بود».

امیرارسلان: (۴۳۳/۲، ۴۷۳/۹، ۵۲۶/۱۷).

زرین‌ملک: (۲۰/۱۱، ۴۸/۱۱، ۹۰/۱۷، ۹۲/۳، ۱۴۳/۲۴).

ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۸۳/۵).

د) حالت تأسف و اندوه

نقال گزاره‌های بیانگر تأسف و اندوه را به فراخور موقعیت داستانی در میان کلام جای می‌دهد. این حالت بالطبع به تأثیرپذیری بیشتر مخاطب و خلق فضای دراماتیک خواهد

انجامید. این گزاره‌ها غالباً با تمهیدات بیانی تشبیه و کنایه به تصویر کشیده می‌شوند (یاوری، ۱۳۹۰: ۱۶۰). سه گزاره زیر برجسته‌ترین این گونه تعبیر است:

«کنندند/گویا کنندند نه سپهر/ نه طاق نیلگون/ فلک را و بر سرش کوبیدند/ بر کله‌اش کوبیدند».

امیرارسلان: (۳۳/۷، ۵۶/۱۱، ۹۰/۱۶، ۱۶۸/۱۴، ۲۵۶/۱۷، ۳۹۷/۴، ۴۱۹/۱۲، ۴۵۷/۱۴).

زرین‌ملک: (۸۷/۸، ۹۶/۱۵، ۱۰۰/۴).

ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۱۴۴/۶).

«آه از جان/نهاد/ش/... برآمد».

امیرارسلان: (۱۴۸/۱۸، ۱۵۲/۱۰، ۱۵۳/۱۹، ۲۱۶/۲۳، ۲۳۴/۲۵، ۲۴۲/۴، ۲۴۸/۲، ۲۸۵/۲۳، ۲۸۶/۱، ۳۱۸/۱۵، ۳۱۹/۱، ۳۳۹/۹، ۳۴۱/۱۲، ۳۶۹/۱۱، ۳۹۱/۲۰، ۳۹۷/۵، ۴۱۹/۱۳، ۴۳۷/۲۷).

زرین‌ملک: (۷/۵، ۹/۱۸، ۱۲/۱۹، ۷۱/۱۸، ۷۲/۱۹، ۸۳/۲۷، ۸۶/۱، ۱۳۸/۱۸).

ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۱۱۴/۷، ۱۷/۱۲، ۸۹/۱۹).

۲-۳-۴. گزاره‌های قالبی تشبیهی

در اصل این گزاره‌های قالبی، ماهیتی جدا از گزاره‌های قبلی ندارد؛ و لیکن به دلیل اینکه برخی گزاره‌ها در بخش‌بندی‌های گذشته جای نمی‌گرفتند، این گزاره‌های تشبیهی را که پیش از این به آن اشاره نشد، در این قسمت همراه با بسامد آن‌ها بررسی می‌کنیم.

«چون/ مثل باد صرصر».

امیرارسلان: (۵۳/۱۸، ۲۶۹/۱، ۲۶۹/۱۸، ۲۸۳/۳۰، ۴۹۱/۱۳).

زرین‌ملک: (۱/۱۳، ۷/۱۲، ۱۱/۱، ۶۷/۱۸).

«چون جان شیرین».

امیرارسلان: (۳۴۰/۲۵، ۴۱۹/۱۶، ۴۲۷/۲۰، ۴۳۲/۱۶، ۴۸۸/۱۶، ۴۹۵/۱۹، ۵۱۹/۳، ۲۰/۱۴، ۵۲۴/۲۳، ۵۲۸/۱۸، ۵۲۹/۴، ۵۳۰/۲۱).

زرین‌ملک: (۴۳/۲۳، ۶۰/۸، ۸۳/۱۰، ۸۹/۱۷، ۹۱/۴، ۱۰۴/۱۱، ۱۰۵/۸، ۱۱۰/۱۵، ۱۱۷/۳، ۱۳۴/۹، ۱۴۱/۲، ۱۶۵/۷، ۱۶۶/۱۵).

«چون سیماب/ کره سیماب به لوزه درآمد».

ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۱۰۸/۲۰، ۴۹/۱۲).

امیرارسلان: (۳۳/۳، ۲۱۰/۲۳).

زرین ملک: (۲/۱۷، ۶۰/۲۲).

«سپند آسا».

امیرارسلان: (۷/۲۵۴، ۲۴/۲۷۶، ۶۴۵۷).

زرین ملک: (۹/۱۰۴، ۸/۱۰۵، ۴۴/۱۸).

۵-۳-۲. گزاره‌های قالبی سوگند

سوگند از بارزترین گزاره‌های قالبی در این گونه متون است. در خوانش این متون، مخاطب آگاه می‌شود که شخصیت‌ها حتی شخصیت‌های اصلی و قهرمان قصه به راحتی مرتکب دروغ می‌شوند و حتی در راستای باورپذیر کردن این دروغ‌ها سوگند هم یاد می‌کند. در ادامه سعی می‌شود پربسامدترین سوگندها همراه با فراوانی آنها ارائه شود.

«جقه / جیقه‌ات را دشمنم».

این سوگند در واقع از سوگندهای نشان‌دار متن است، در راستای اثبات انتساب این متن به دوره قاجاری.

امیرارسلان: (۲۷/۲۳، ۹۷/۵، ۹۸/۱، ۹۸/۱۸، ۱۰۴/۱۳، ۱۷۲/۱۹، ۱۷۳/۱۶، ۱۷۵/۱، ۱۸۰/۲۳، ۱۸۳/۲، ۱۸۴/۶، ۲۱۴/۱، ۲۵۳/۱۳، ۲۳۹/۲۴، ۵۱۲/۱۵).

زرین ملک: (۶/۱۴، ۱۴/۲۷).

«به خدای عالم / به خدای هجده هزار عالم / جان من و تو در قبضه قدرت اوست».

امیرارسلان: (۲۹/۸۵، ۱۹/۸۷، ۱۱/۱۰۷، ۲۶/۱۳۴، ۲/۱۳۶، ۲۱/۱۶۸، ۲۷/۱۶۸، ۵/۱۶۹، ۱۹/۱۷۰، ۲۷/۱۹۳، ۱۶/۲۰۹، ۳/۲۲۳، ۲۳/۲۲۵، ۲۴/۲۸۱، ۱۷/۲۹۳، ۱۸/۳۲۸).

زرین ملک: (۱۲/۴۵، ۱۰/۹۶).

«تو را به دین / آیین / مذهب قسم».

امیرارسلان: (۶/۱۲۶، ۵/۱۶۸، ۱۲/۲۰۹، ۱۲/۲۴۳، ۳۰/۲۷۸، ۲۴/۲۷۹، ۲۰/۲۸۶، ۶/۲۸۷، ۲۰/۲۹۳، ۲۰/۳۹۶، ۳۸/۴۷۷).

زرین ملک: (۱۴/۳، ۱۱/۸، ۲۲/۲۷، ۱/۲۹، ۳/۳۶، ۲۳/۳۷، ۳/۴۳، ۲۷/۷۲).

۶-۳-۲. گزاره‌های قالبی دشنام

درباره دشنام‌ها ذکر سه نکته لازم به نظر می‌رسد. همان‌طور که در بخش قبل اشاره شد، دشنام‌ها گاهی همانند قسم، کارکرد خود را از دست می‌دهند و دیگر بار معنایی منفی ندارند. نکته دوم این است که گاهی گزاره دشنام مدخلی برای ورود راوی به قصه است. راوی نسبت به شخصیت‌های منفی موضع می‌گیرد و اسمشان را همراه با دشنام - معمولاً حرام‌زاده - می‌آورد^{۱۱}. نکته سوم اینکه گاهی دشنام‌ها آوردگاهی می‌شود برای جولان دادن پهلوانان و رقیبان در مقابل یکدیگر قرار گرفته، به شکلی که از دشنام به جای رجزخوانی پهلوانی استفاده می‌شود.^{۱۲}

حرام‌زاده:

امیرارسلان: «۲۰/۱۱، ۲۱/۱۷، ۳۳/۱۲، ۷۲/۱، ۷۵/۲۵، ۷۹/۵، ۸۱/۷، ۸۱/۷، ۸۱/۹، ۸۲/۱۰، ۸۳/۱۰، ۱۰۰/۸، ۱۰۵/۲۰، ۱۴۶/۲۳، ۱۵۴/۲۲، ۱۵۵/۱۱، ۱۵۵/۲۱، ۱۵۵/۲۱، ۱۵۵/۳۰، ۱۶۰/۱۵، ۲۱۳/۳، ۲۴۶/۲۵، ۲۵۴/۱۴، ۲۶۷/۲۹، ۳۱۸/۲۵، ۳۶۵/۲۵، ۴۱۳/۳۰، ۴۷۰/۲۱». در مجموع ۶۸ مورد.

زرین‌ملک: (۲/۱۹، ۳/۱۵، ۳/۲۳، ۴/۱، ۴/۲، ۴/۹، ۴/۱۰). در مجموع ۷۴ مورد.
ملک‌جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۴۵/۱۶، ۵۰/۳، ۵۱/۲، ۵۱/۸، ۵۲/۲، ۷۰/۱۸، ۷۰/۱۹، ۷۱/۱۰، ۷۱/۱۳، ۷۲/۱، ۱۲۱/۶، ۱۲۱/۱۱، ۱۲۱/۱۷).
«لچک خراباتیان عالم/فرنگ بر سر(م)/(ت)».

امیرارسلان: (۲۰۰/۲۵، ۲۵۶/۲۰).

زرین‌ملک: (۲۶/۲، ۴۵/۱۳، ۸۰/۱۹، ۸۷/۱۰، ۹۴/۲۵).

۷-۳-۲. گزاره قالبی دعا

گزاره دعا بیشتر در دربار پادشاه و در ضمن ارائه ادب به شخص شاه به کار می‌رود. پرکاربردترین گزاره دعایی مشترک در دو متن، گزاره قالبی «عمر/عمر و دولت را خدا/خلاق عالم/خدای هجده هزار عالم زیاد کند» است که در زیر نشانی این گزاره ارائه می‌شود.

امیرارسلان: (۱۵/۱۵، ۹۱/۲۵، ۲۸۶/۷، ۲۸۹/۳، ۲۹۲/۱۸، ۵۱۲/۲۵).

زرین‌ملک: (۱۵/۷، ۷۹/۱۱، ۸۹/۳، ۹۴/۱۷، ۹۶/۴، ۱۰۱/۲۴، ۱۰۵/۷، ۱۵۱/۹).
ملک‌جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۹۶/۳).

۲-۴. الگوهای همسان

در این بخش اشتراکات دیگر میان‌متنی سه داستان با عنوان الگوهای همسان می‌آید. این الگوها اشتراکاتی است که ذهن نقال بر آن‌ها استوار شده است و داستان را بر اساس همین بن‌مایه‌ها پیش می‌برد. الگوهایی که در سه متن ذهن نقیب‌الممالک را می‌سازند در سه بخش ابیات، اسامی و طلسم مشترک قابل بررسی است.

۲-۴-۱. ابیات مشترک

فراوانی ابیات مشترک در دو متن ضمن دلالت بر اشتراک زمانی متون، به حدی است که با اندکی تأمل، قابل تشخیص است که سه متن از آن یک نفر است. در اهمیت ابیات مشترک در متون باید این نکته را نیز افزود که خلاف برخی گزاره‌های قالبی که گاهی مربوط به یک دوره زمانی مشخص است، نقل ابیات در حین نقالی، به حافظه و سیر مطالعاتی پیشین نقال و انس او با دواوین گذشته مربوط است که وی چه ابیاتی را به حافظه خویش سپرده و در نقل، از آن‌ها استفاده کرده است. در واقع، همین اشعار حفظی است که نوعی تشخیص نقل به نقال می‌دهد. در این جا ابیات مشترک که گاهی در متن تکرار یافته است را بیان می‌کنیم:

لب یک‌قرا به شهد رو یک‌طبق بلور	رخ یک‌بهشت حور تن یک‌سپهر نور
شمشاد قدّ او هم‌سنگ نارون	یاقوت لعل لب هم‌رنگ ناردان
بند است یا گره چین است یا شکن	در زلفکان او تا چشم می‌رود
آن صد‌هزار مو این صد‌هزار من	گیسویش از قفا غلطیده تا سرین

امیرارسلان: (۳۸۷/۱).

زرین‌ملک: (۳/۵).

ملک‌جمشید و طلسم آصف: (۱۱۶/۱۹).

یافت از سرچشمه خورشید نور	روز دیگر کاین جهان پرغرور
هندوی شب را ز تیغ افکند سر	ترک روز آمد ابا زرین‌کمر

امیرارسلان: (۳۵/۱۲).

زرین ملک: (۱۳۴/۱۴).

ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۲۵/۲).

مهابت تو اگر بانگ بر زمانه زند قطار هفته ایام بگسلند مهار

امیرارسلان: (۹۱/۲۶).

زرین ملک: (۱۵/۶).

سحرگاهان که فرزندان انجم شدند از چشم یعقوب فلک گم

امیرارسلان: (۶۷/۱۸).

زرین ملک: (۱۶/۴).

ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۱۱/۶).

شب چو مشکین عمامه بر سر بست آسمان از ستاره زیور بست

زهره در پیش بام زنگاری طاقی از سیم و طاقی از زر بست

امیرارسلان: (۱۱۵/۲۱).

زرین ملک: (۱۱۴/۴).

ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۱۰/۹).

برآراست شب روی مانند ماه به زلفین مشکین و چشم سیاه

خم طره افکند مه را به دوش سر زلف مه گشته انبرفروش

امیرارسلان: (۴۳۲/۶).

زرین ملک: (۲۲/۲۲).

سرزمینی است که ایمان فلک رفته به باد

امیرارسلان: (۴۷۶/۱۶).

زرین ملک: (۲۷/۲۰).

ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۴۴/۸).

ز سنگ انداز او هر سنگ جستی پس از قرنی سر کیوان شکستی

امیرارسلان: (۶۹/۱۱).

زرین ملک: (۲۸/۱۲).

زرین‌ملک و امیرارسلان: دو متن از یک نقال هادی باوری و همکاران

من به مردن راضی‌ام پیشم نمی‌آید اجل
امیرارسلان: (۳/۲۵).

زرین‌ملک: (۲۹/۲).

فلک را عادت دیرینه این است
به جان می‌پرورد بی‌حاصلی را
امیرارسلان: (۴/۵).

زرین‌ملک: (۳۲/۱۷).

سحر از کوه خاور تیغ اسکندر چو شد پیدا
دم روح‌القدس زد چاک در پیراهن مریم
میان روضه خضرا روان شد چشمه روشن
ز دامان نسیم صبح پیدا شد دم عیسی
درافشان کرد از شادی فلک چون دیده مجنون
درآمد زاهد صبح از در دردی‌کش گردون
برآمد ترکی از خاور، جهان‌آشوب و غارتگر
عیان شد رشحه خون از شکاف جوشن دارا
نمایان شد میان مهد زرین طلعت عیسی
کنار چشمه روشن برآمد لاله حمرا
ز جیب روشن فجر آشکارا شد کف موسی
برآمد چون ز خاور طلعت خور چون رخ لیلا
زدش بر کوه خاور بی‌محابا شیشه صهبا
به یغما برد در یک دم، هزاران لؤلؤ لالا
امیرارسلان: (۱۴۹/۱۵).

زرین‌ملک: (۳۲/۲۱).

منظری بود چه خلوتگه یار
بود بنای فرازش معمار
امیرارسلان: (۴۰۰/۲۶).

زرین‌ملک: (۳۵/۱۴).

بنازم به دور تو محنت‌نصیب
همی از دورنگیت دارم فغان
دو کس را که بینی هم‌آواز هم
چنان دورشان افکنی از ستم
که در هر فرازت بود صد نشیب
بنازم به دور تو ای آسمان
که از بی‌کسی گشته دمساز هم
نبینند هرگز دگر روی هم
امیرارسلان: (۷۰/۲۲).

زرین‌ملک: (۳۸/۱۰).

ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۴۱/۹).

می و مینا و شاهد و ساقی
نی و طنبور و بربط و مزهر

یک طرف ساقیان مشکین موی
بی‌هش این یک فتاده در دهلیز
امیرارسلان: (۴۳۱/۱۴).

یک طرف مطربان رامشگر
بی‌خود آن یک غنوده در بستر
زرین‌ملک: (۱۴۳/۲۶).

آشنا داند صدای آشنا
آری آری جان فدای آشنا
امیرارسلان: (۴۱۸/۱۳).

آری آری جان فدای آشنا
زرین‌ملک: (۶۶/۱۲).

لیلی و مجنون که عشق افروختند
عشق‌بازی زین دو تن آموختند
امیرارسلان: (۴۱۹/۲۱).

لیلی و مجنون که عشق افروختند
زرین‌ملک: (۱۴۰/۱۴).

این کیست سواره که بلای دل و دین است
ماهی است درخشنده که بر ابر سوار است
امیرارسلان: (۳۹۶/۴).

این کیست سواره که بلای دل و دین است
زرین‌ملک: (۹۰/۱).

ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۱۶/۲).
عالمی خواهم از این عالم به در
تا به کام دل کنم سیری دگر
امیرارسلان: (۳۷۴/۲۷).

عالمی خواهم از این عالم به در
زرین‌ملک: (۱۶۱/۲۷).

نیست در خانه دلم جز یار
لیس فی‌الدار غیره دیار
امیرارسلان: (۶۶/۱۸).

نیست در خانه دلم جز یار
زرین‌ملک: (۷۲/۲۳).

شباهنگام چون بنهفت رخ این لاله حمرا
گشود از چشم انجم صد هزاران نرگس شهلا
امیرارسلان: (۴۲۷/۹).

شباهنگام چون بنهفت رخ این لاله حمرا
زرین‌ملک: (۹۶/۲۵).

روز دیگر که طفل این مکتب
قلم زر به لوح فیروزه
تخته را شست از سیاهی شب
آسمان زد به رسم هرروزه

زرین ملک و امیرارسلان: دو متن از یک نقال _____ هادی باوری و همکاران

امیرارسلان: (۴۶۱/۱۰).

زرین ملک: (۱۶۶/۲۱).

ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۱۴/۲).

پس از نه جام می، یا هشت، یا ده، بیش یا کمتر
چه داند حال مستی خاصه در بر هر که جانانش؟
کله پرتاب کرد از سر، قبا بیرون نمود از بر
بناگه صبح صادق سرزد از چاک گریانش

امیرارسلان: (۱۹۳/۱۶).

زرین ملک: (۱۳۴/۶).

ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۱۰/۱۷).

اگر صد سال زیر سنگ باشی
از آن بهتر که زیر ننگ باشی

زرین ملک: (۱۳۶/۱۶).

ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۵/۸).

تاجکی از مشک تر گذاشته بر سر
غیرت تاج قباد و افسر دارا
خم خم و چین چین، شکن شکن سر زلفش
کرده ز هر سو پدید شکل چلیپا
روی سفیدش برادر مه گردون
موی سیاهش پسرعم شب یلدا

زرین ملک: (۱۵۸/۲۰).

ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۱۵/۲).

یکی کوه پایه سر اندر سحاب
مکان پلنگ آشیان عقاب

ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۱۹/۳۰).

زرین ملک: (۵۳/۲۳).

هر بلیلی که زمزمه بنیاد می کند
اول مرا به برگ گلی شاد می کند

ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۲۴/۴).

زرین ملک: (۶۶/۲۳).

دوستان شرح پریشانی من گوش کنید
قصه بی سروسامانی من گوش کنید
داستان غم پنهانی من گوش کنید
روزگار من و حیرانی من گوش کنید

ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۳۳/۲).

زرین ملک: (۹۰/۲۲).

شمع را در وقت خواب از پیش چشمش مگذران سایه مژگان مباد از خواب بیدارش کند
ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۳۴/۲۰).
زرین ملک: (۶۶/۵).

چه شود به چهره زرد من نظری برای خدا کنی که اگر کنی همه درد من به یکی نظاره دوا کنی
تو شهی و کشور جان تو را، تو مهی و جان جهان تو را ز ره کرم چه زیان تو را که نظر به حال گدا کنی
ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۳۵/۸).
زرین ملک: (۸/۴).

ز بس که سجده کنم بی حجاب پیش جمالت بر عالمی شده روشن که آفتاب پرستم
ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۳۹/۱۹).
زرین ملک: (۱۳۳/۴).

خیز و خدام مرا گو که بیارند به نقد یک دو رقااص و دو سارنگی و یک سرنایی
تارزن زاغی و ریحان و ملیمای یهود ضرب گیر اکبری و احمدی و بابایی
هم بگو مغبیچهای چند بیایند خورند می چون زمزم با زمزمه ترسایی
هم بفرما که کباب بره و ماهی کبک خوش بیارند که دارم سر بزم آرابی
ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۴۰/۴).
زرین ملک: (۴۱/۵).

به یکی چشم زد مهیا کرد ساز و برگ نشاط را یکسر
می و مینا و شاهد و ساقی نی و طنبور و بربط و مزر
جره و کبک و تیهو و دراج بره و نقل و شاهد و شکر
یک طرف ساقیان مشکین مو یک طرف مطربان رامشگر
بی خود آن یک فتاده در دهلیز بی هوش این یک غنوده در بستر
بنده این جا نشسته با خواجه عاشق آن جا نشسته با دلبر
بالش از جام کرده باده گسار تکیه بر چنگ کرده خنیاگر
جفت جفت از دو رو همه خفته چون دو کودک به بطن یک مادر
ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۴۰/۷).
زرین ملک: (۱۴۳/۲۸).

زرین‌ملک و امیراسلان: دو متن از یک نقال _____ هادی باوری و همکاران

ساقی آتش‌پرست و آتش‌دست ریخت در ساغر آتش سوزان
ملک‌جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۴۰/۱۳).
زرین‌ملک: (۱۵۷/۱۹).

در نظر آورد یکی طرفه‌باغ لاله فروزنده در او چون چراغ
نار و به و سیب شناور شده سرو و گل و بید به هم برشده
نرگس سرمست به طرف چمن عربده‌جو نسترن و یاسمن
بر سر هر شاخ سراینده‌ای عقل‌بری، هوش‌رباینده‌ای
ملک‌جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۴۷/۳).

زرین‌ملک: (۱۵۸/۲۷).

امیراسلان: (۲۹۱/۲۸).

یا ما سر خصم را بکوییم به سنگ یا او تن ما به دار سازد آونگ
القصه در این سراچه پر نیرنگ یک مرده بنام به که صد زنده به ننگ
ملک‌جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۵۵/۵).

زرین‌ملک: (۱۳۶/۱۹).

ندیده کس به زیر چرخ دولاب که آتش زنده بیرون آید از آب
ملک‌جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۶۲/۱۲).

زرین‌ملک: (۱۶۷/۱۸).

شها بر آستانت هر سحرگاه به سجده آفتاب از خاور آید
به عظم خاک‌بوس آستانت اگر خاقان و گر اسکندر آید
اگر نوشیروان و خسرو هند و گر سلطان ماضی سنجر آید
که تا خدام را نبود اجازت که را قدری بود کز در درآید؟
غربی ناتوانی از ره دور بود شخصی که بر درگاه آید
رسیده در حریم آستانت چه گویی؟ بازگردد یا درآید؟

ملک‌جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۶۴/۱۰).

زرین‌ملک: (۷۹/۴).

درخت‌های بارور چو اشتران برابر همی به پشت یک‌دگر کشنده صف قطارها

ز ریزش سحابها بر آبها حبابها چو جوی نقره آبها روان در آبشارها
ز نای خویش فاخته دو صد اصول ساخته ترانه‌ها نواخته چو زیر و بم تارها
فکنده‌اند همهمه کشیده‌اند زمزمه به شاخ و سروبن همه چه کبک‌ها چه سارها
فکنده‌اند غلغله دو صد هزار یک‌دله به شاخ گل پی‌گله ز رنج انتظارها

ملک‌جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۷۸/۱۰).

زرین‌ملک: (۲/۱).

ملامت‌ها که بر من رفت و سختی‌ها که پیش آمد گر از هر نوبتی فصلی بگویم داستان آید

ملک‌جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۹۶/۱۸).

زرین‌ملک: (۱۰۲/۱۸).

بر سیه‌دل چه سود خواندن و عطف؟ نرود میخ آهنین بر سنگ

ملک‌جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۹۸/۴).

زرین‌ملک: (۲۸/۲۱).

فدای خانه در بسته‌ات شوم مجنون به هر طرف که نظر می‌کنم بیابان است

ملک‌جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۱۰۱/۶).

زرین‌ملک: (۱۳۸/۵).

المنة لله که نمردیم و دیدیم دیدار عزیزان و به خدمت برسیدیم

ملک‌جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۱۰۳/۱۹).

زرین‌ملک: (۱۵۶/۱۹).

گر نگه‌دار من آن است که من می‌دانم شیشه را در بغل سنگ نگه می‌دارد

ملک‌جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۱۲۰/۱۰).

زرین‌ملک: (۵۰/۴).

۲-۴-۲. اسامی مشترک

اگر در نظر بگیریم که تقیب‌الممالک این داستان‌ها را به طریق بداهه در حضور پادشاه می‌گفته است، مسئله نام همسان و مشترک اهمیت بسیاری می‌یابد. احتمالاً تقیب‌الممالک مجال زیادی

زرین‌ملک و امیرارسلان: دو متن از یک نقال _____ هادی یآوری و همکاران

برای گزینش اسم‌ها و نام‌های جدید نداشته یا اگر هم قبل از حضور در دربار به اسامی و سیاق قصه فکر می‌کرده است، شخصیت‌های ناگهانی و فرعی که در دل قصه به وجود آمده‌اند، همان نام‌های تکراری مشترک میان دو متن را دارند. به همین دلیل چند شخصیت اصلی داستان نام مجزا و بقیه شخصیت‌ها عموماً دارای اسم مشترک هستند. در اینجا در راستای تقویت صحت انتساب این متن به نقیب‌الممالک، اسامی و القاب مشترک میان سه متن فهرست می‌شود.

شهبال:

ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۸۲/۶، ۸۸/۱۳، ۹۹/۱، ۱۲۳/۱۹، ۱۳۶/۱، ۱۳۶/۸).

زرین‌ملک: (۴۸/۵، ۴۸/۶، ۵۲/۶، ۵۶/۵). در مجموع ۲۸۶ مورد.

خواجه عبدالرحمن:

ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۱۲۷/۸).

زرین‌ملک: (۴۹/۱).

دایه‌خاتون:

ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۳۶/۲۰).

زرین‌ملک: (۲۳/۵، ۲۵/۱۵، ۲۶/۸).

ملک داراب:

ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۱۲۷/۱۶، ۱۲۹/۱۳، ۱۳۱/۱۶، ۱۳۷/۱۹، ۱۳۸/۱۸،

۱۳۸/۲۰).

زرین‌ملک: (۹/۵، ۹/۱۲، ۶۲/۱۵، ۶۳/۲۱).

ملک اقبال‌شاه:

امیرارسلان: (۲۸۹/۱۸، ۲۹۰/۷، ۳۰۷/۱۰، ۳۰۷/۲۹، ۲۹۲/۱۹).

زرین‌ملک: (۳۰/۲۱، ۴۳/۵، ۴۴/۱۲، ۴۶/۵۲). در مجموع ۱۶۸ مورد.

آذرچهر:

ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۱۳۶/۴، ۱۳۱/۱۶).

«حیدرآباد».

ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۱۳۱/۱۶).

زرین‌ملک: (۱۲۵/۶).

شهر آشوب:

ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۱۲۳/۱۹).
زرین ملک: (۱۴۱/۱۵)، ۱۴۲/۴، ۱۴۲/۱۴، ۱۴۲/۱۶، ۱۴۳/۵، ۱۴۳/۲۱، ۱۴۴/۱۸، ۱۴۶/۸،
۱۴۶/۱۴، ۱۴۶/۲۰، ۱۴۷/۱۸، ۱۴۷/۲۰، ۱۴۸/۱۴، ۱۴۸/۲۲).

آصف جاهی:

امیرارسلان: (۸۰/۷، ۸۰/۱۲، ۱۶۲/۱۱، ۲۰۶/۲۲، ۲۸۵/۲، ۲۹۴/۱۹).
زرین ملک: (۵۰/۵، ۷۲/۱۹، ۷۵/۵، ۹۵/۲۲).
«پشته تاریک و سد بلور».
امیرارسلان: (۳۴۳/۱۳).
زرین ملک: (۴۴/۸، ۴۵/۳، ۴۵/۴، ۴۶/۱۸، ۴۶/۲۳، ۴۸/۱۲، ۴۸/۱۳، ۵۳/۱۹، ۱۵۸/۶،
۱۶۷/۴).

اکوان دیو:

ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۹۷/۵، ۹۷/۱۷، ۹۹/۱، ۱۲۴/۵).
زرین ملک: (۸۷/۳).

جهان آرا:

ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۱۲۴/۹، ۱۲۴/۱۰، ۱۲۴/۱۳، ۱۲۶/۱۲۴۱۹/۱۳، ۱۳۰/۱،
۱۳۲/۲، ۱۳۳/۱).
زرین ملک: (۸/۱۹، ۶۳/۱۲، ۶۳/۱۵).

هزار طاق سلیمان: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
امیرارسلان: (۳۴۳/۱۴، ۳۰۰/۱۰).

زرین ملک: (۳۰/۲۲، ۱۵۵/۱۸).

بحر/ دریای اخضر:

امیرارسلان: (۳۴۳/۱۴).
زرین ملک: (۷۲/۱۲، ۷۴/۱۴، ۷۹/۱۹، ۸۰/۳، ۸۵/۱۰، ۱۶۰/۸).

ملکه آفاق:

امیرارسلان: (۸۵/۲۴، ۸۹/۱۶، ۹۳/۲، ۱۲۵/۵، ۱۲۳/۲۸، ۳۳۵/۲۲).

زرین ملک و امیراسلان: دو متن از یک نقال _____ هادی یآوری و همکاران

زرین ملک: (۱۸/۴، ۱۹/۱، ۱۹/۸، ۷۰/۹، ۹۸/۶، ۹۹/۹، ۱۰۴/۱۰، ۱۰۵/۱۱، ۱۰۸/۱۳). در مجموع ۲۰ مورد.
ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۱۴/۱۵، ۵۵/۱۸، ۵۵/۲۰، ۸۰/۲، ۸۰/۱۷). (۸۱/۱۳).

امیر هوشنگ / ملک هوشنگ:

امیراسلان: (۸۴/۲۹، ۹۳/۱۳، ۹۴/۱۱، ۹۴/۱۴، ۹۶/۹، ۹۸/۲، ۱۰۶/۹، ۱۰۶/۱۲، ۱۰۹/۲۷، ۱۱۳/۶، ۱۱۶/۱۱۴، ۱۶/۱، ۱۱۹/۲۱، ۱۳۱/۷، ۱۳۱/۱۲، ۱۳۱/۱۵، ۱۳۵/۱۴، ۱۳۵/۲۴، ۱۳۶/۱۴، ۱۳۹/۲۶، ۱۴۰/۲۳، ۱۴۲/۹، ۱۴۴/۱۱، ۱۴۶/۲۲، ۲۷/۱۴۷، ۱۵۰/۲، ۱۵۳/۱۵، ۱۵۹/۸، ۱۵۹/۱۰، ۱۵۹/۱۵، ۱۶۲/۳۰، ۱۶۸/۱۲، ۱۶۸/۱۸، ۱۶۸/۱۹، ۱۹۶/۲۷، ۱۹۶/۲۹، ۱۹۷/۳).
زرین ملک: (۹۴/۱۳، ۱۴۰/۸، ۱۴۱/۶، ۱۴۱/۷، ۱۴۲/۶، ۱۴۲/۱۰). در مجموع ۳۰ مورد.

نامدار:

امیراسلان: (۱۴۱/۱۶، ۱۴۹/۲۴، ۱۵۷/۵، ۲۱۱/۳، ۳۲۳/۲۵، ۳۴۳/۳۰). در مجموع ۴۵ مورد.

زرین ملک: (۲/۶، ۳/۶، ۸/۹، ۱۴/۱۰، ۱۷/۱۲، ۲۲/۷، ۱۲/۲۲). در مجموع ۵۹ مورد.

خواجه یاقوت:

امیراسلان: (۱۰۶/۱۰، ۱۲۶/۱۳، ۱۲۶/۱۵، ۱۲۸/۱۱، ۱۲۸/۱۶).

زرین ملک: (۱۲۹/۵).

ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۲۹/۳، ۳۲/۱۴، ۳۴/۱).

ملک بهمن / بهمن شاه:

ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۱۳۷/۱۳، ۱۳۷/۱۷، ۱۳۸/۱۸، ۱۳۹/۷).

زرین ملک: (۱/۵، ۱/۶، ۱/۸، ۱/۱۰، ۲/۳، ۲/۵، ۲/۶، ۲/۸). در مجموع ۱۳۶۵ مورد.

فریدون:

زرین ملک: (۱/۴، ۶/۲، ۷/۵، ۱۵/۱۱، ۲۸/۶، ۲۸/۱۰). در مجموع ۵۲ مورد.

ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور: (۲۰/۱۰، ۳۳/۱۳، ۴۲/۱، ۴۶/۱۶، ۴۷/۲۰، ۵۰/۹، ۵۱/۴، ۱۳۰/۳، ۱۳۱/۶، ۱۳۲/۱۳، ۱۳۲/۱۶، ۱۳۹/۱۵).

۳-۴-۲. طلسم‌های مشترک

مقوله اشتراکات طلسم در هر سه داستان از مواردی است که اهمیت فراوانی دارد. نوع طلسم، نحوه طلسم کردن و متعاقباً طلسم‌بند کردن هر کدام ریزه‌کاری دارد برخی از این طلسم‌ها در متون عامیانه مشترک هستند؛ لیکن آنچه مقوم بحث مورد بررسی ماست، جزئیات ریز مشترکی است که تبعاً تراویده از ذهنی واحد است. در اینجا به طلسم‌های مشترک میان *امیرارسلان* و *زرین‌ملک* و *ملک جمشید* اشاره می‌شود.

طلسم اول، طلسم صیوروت است که افراد/ فرد از حالت اصلی خارج می‌شوند و جادوگر دیگری به افراد/ فرد گرفتار طلسم آب می‌پاشد تا به صورت اصلی خویش بازگردند.

امیرارسلان:

آصف وزیر طشتی پر آب کرده ... چند اسمی خوانده بر آن آب دمید؛ آب را بر صورت ملک شاپور و وزیر و امیرانش که شبیه سنگ بودند پاشید؛ به محض ریختن آب ملک شاپور با وزیر و دوازده هزار نفر سواره و پیاده، فوراً به صورت اصلی بازگشتند و از حالت سنگ بیرون آمدند (۳۸۶/۱۴).

زرین‌ملک:

پروانه جادو خندید و گفت: «حرام‌زاده! شمشیر به من می‌زنی؟» لب بر لب زده. ملک‌بهمن چرخ‌زده به صورت بوزینه شد ... دایه‌خاتون ... طاس آبی طلبیده، اسمی خوانده و قدری از آن آب به ملک‌بهمن پاشید. ملک‌بهمن چرخ‌زده، به صورت اصلی برآمد (۱۳/۴).

ملک جمشید، طلسم آصف و حمام بلور:

عاقبت به دست سوسن جادو، مادر افغان دیو گرفتار شدم، مرا شبیه آهو کرد ... دایه طاسی پر از آب کرد و تازیانه در دست گرفته، شروع کرد به دعا خواندن. پیوسته دعا می‌خواند و بر آب می‌دمید. به ناگاه طاس آب را برداشته، ریخت روی سر شاهزاده، و به تازیانه‌ای که در دست داشت، وردی خوانده دمید و چنان به شانه شاهزاده زد که جهان روشن پیش نظرش تیره و تار گردیده. چون کبوتر تیرخورده بلند شده، سه

چرخ خورد و روی زمین نقش بسته، از هوش رفت و چون به هوش آمد خود را در میان قصر دید، خوابیده، سرش در دامان جهان‌آرای پری است (۸۹/۱۶، ۹۰/۱۰).

طلسم دوم، طلسم خواندن کتاب و فوران آتش است.

امیرارسلان:

پس از آن دست در بغل کرد کتابی بیرون آورد، به امیرارسلان داد گفت: «جوان! دستم به دامن! قربانت شوم! این کتاب را بگیر ... همین کسی که دشمن من است، ملکه را برده است، وقتی که تو او را کشتی من ملکه را به خدمت تو می‌آورم تو را می‌برم زیر این عمارت و کنار دریاچه می‌نشانم... این کتاب را بخوان. هرچه بگویند مخوان، گوش مده و بخوان. آتشی از گوشه باغ پیدا می‌شود، کم‌کم پیش می‌آید و صدا به گوش تو می‌رسد که کتاب را مخوان! تو گوش مده و متصل کتاب را بخوان تا آتش نزدیک بیاید ... (۲۴۳/۱۱).

زرین ملک:

همین که پیر از جانب ملک بهمن خواطر جمع شد دست در بغل کرد و کتابی بیرون آورد به دست ملک بهمن داد ... قهار جادو گفت: فرزند! این کتاب را که به تو دادم در بغل بگذار و انگشتر را در انگشت کن و این آتش را که می‌بینی خود را بر نشان بر این آتش. از آتش که گذشتی دروازه باغ نمایان می‌شود. داخل باغ شو. خیابانی است. همه جا از خیابان برو. از برابر عمارتی نمایان می‌شود. داخل شو. تالاری است. تختی در میان تالار زده‌اند و دختری در بالای تخت خوابیده است؛ برو بالای سرش بنشین. این کتاب را آن قدر بخوان تا تمام شود. آن دختر هرچه نعره بزند و به تو التماس کند گوش به حرفش مده (۳۵/۶).

طلسم سوم طلسم باز کردن گلوبند از گردن دختر است.

امیرارسلان:

قمر وزیر گفت: برای اینکه این دختر عشاقان بسیار داشت، پدرش از ترس آنکه مبادا غافل او را بدزدند ببرند به من و شمس وزیر فرمود طلسمی ساختم؛ گلوبند یاقوتی را که دوازده دانه یاقوت دارد، طلسم‌بند کردیم که تا مادامی که این گلوبند به گردن این دختر بسته است کسی دست بر او ندارد و از این شهر نمی‌تواند بیرون بیاید. باید نوعی بشود که آن گلوبند را از گردنش باز کنی (۲۲۸/۲۳).

زرین ملک:

تختی زده‌اند و دختری در بالای تخت خوابیده، برو بالای سرش بنشین. گلوبند گوهری گردن او بسته‌اند که پانصد دانه گوهر دارد. از گردن آن دختر باز کن. از خواب بیدار می‌شود (۳۵/۶).

۳. نتیجه

هرچند بعضی ابیات یا گزاره‌های قالبی به صورت محدود با دیگر متون عامیانه از جمله **حسین کرد شبستری** یکسان است؛ برای مثال درباره گزاره قالبی آغازین؛ ولیکن آنچه به آثار نقیب‌الممالک تشخص می‌دهد شخصی‌سازی برخی گزاره‌های قالبی است. لیکن وجه تشخص گزاره آغازین دو متن مورد نظر ما - **زرین ملک** و **امیرارسلان** - متفاوت با گزاره‌های دیگر است.

خلاف **امیرارسلان**، بخش عمده‌ای از حوادث **زرین ملک** در ممالک پری‌زاد اتفاق می‌افتد. همین امر سبب شده است این متن نسبت به **امیرارسلان** از صبغه رئالیستی و واقع‌گرایی کمتر و به همان موازات به رمانس نزدیک‌تر باشد؛ لیکن متناسب با ذوق زمان شکل‌گیری متن «افسانه‌ای شیرین» به‌شمار می‌آید. با توجه به بسامد بالای اشتراکات در ابیات، گزاره‌های قالبی و اسامی مشترک در میان این سه متن، می‌توان ادعا کرد که هر سه زائیده تخیل یک شخص است. در شرایط داستانی یکسان، ابیات مشترک خواننده می‌شود و در شرایط جنگ و رزم، توصیف معشوق، توصیف زمان، در شکایت از بی‌مهری روزگار ابیات مشترک در دو متن دیده می‌شود.

اشتراک اسامی نیز در این سه داستان بسیار مشهود و ملموس است. علاوه بر اشخاص اول داستان، افراد فرعی نیز اسامی مشترک دارند. بدین طریق که نقال چندین و چند اسم در ذهن داشته است و روایتش را حول محور همین چند اسم به بیان درمی‌آورد. به طور مثال اگر **ملک‌بهمن** در داستان **زرین ملک** پادشاهزاده است، در متن **ملک جمشید**، **طلسم آصف** و **حمام بلور**، پادشاه است. نعمان‌شاه در دو داستان **امیرارسلان** و **ملک جمشید** از اشخاص درجه اول و کلیدی داستان است؛ لیکن در داستان **زرین ملک** از خرده‌شخصیت‌های داستان است. برخی اشخاص مانند «جهان‌آرا»، «سروناز»، «ملک‌فریدون» و... شخصیت‌هایی هستند که غالباً یا توسط قهرمان نجات پیدا کرده‌اند یا

به واسطه‌ای انتسابی به شخصیت‌های اصلی وصل می‌شوند. برخی دیگر از اسامی مانند «خواجه‌یاقوت» و «دایه‌خاتون» نیز که اسمشان تداعی‌کننده شخصیت و کارکردشان در داستان است نیز به صورت مشترک در هر سه داستان حضور دارند.

پی‌نوشت‌ها

۱. درباره دوره تاریخی شکل‌گیری متن می‌توان به دو ویژگی بارز در آن اشاره کرد: نخست وفور اشعار قائلی در متن است. در متن *زرین‌ملک* نیز به‌مانند *امیرارسلان* ابیات فراوانی متناسب با متن وجود دارد که احتمالاً همان‌طور که معیرالممالک (۱۳۶۱: ۶۴) هم گفته با آواز و همراه با ساز خوانده می‌شده است. در کل این متن ۴۲۰ بیت نقل شده که از این ابیات، سهم قائلی ۶۸ بیت تقریباً معادل ۱۶ درصد از کل ابیات متن است که حجم قابل توجهی است. نکته دیگر این است که آثار زندگی مدرن در متن به چشم می‌خورد. اشخاص داستان هر روز صبح که از خواب بیدار می‌شوند به حمام می‌روند و سر و کله را صفا می‌دهند و لباس تمیز و مرصع به تن می‌کنند و بعد به دنبال کارهای روزمره خویش می‌روند؛ ویژگی‌ای که در متون متقدم از قرن دوازدهم با توجه به سبک زندگی سنتی ایرانی به چشم نمی‌خورد.

بررسی این متن از نظر روایت‌شنو هم ما را به نکته‌های جالب‌توجه‌ای رهنمون می‌سازد. طبق گفته صریح دوستعلی معیرالممالک، روایت‌شنوی *زرین‌ملک* شخص ناصرالدین‌شاه بوده و این روایت در دل مرکز قدرت وقت، یعنی دربار، شکل گرفته است. به همین خاطر برخی ویژگی‌های زبانی را هم تحت تأثیر خود قرار داده است؛ برای مثال آوردن فعل فرمود برای شاه و عرض کرد برای سایر افراد.

نکته پایانی در راستای شناخت بهتر مخاطبان از این متن، زبان تاریخی متن است. توضیح اینکه در نسخه خطی، برخی افعال و واژگان از جمله برخاست و خاطر با او معدوله به شکل برخواست و خواطر ضبط شده است.

۲. چنان‌که مثلاً طراز‌ال‌اخبار گنجینه‌ای از وصف‌های کلاسیک است و در حکم «کتاب بالینی نَقْلان» بوده است (نک. شفیعی کدکنی، نگاهی به طراز‌ال‌اخبار، ۱۱۱).

۳. «اما راویان اخبار و ناقلان آثار چنین آورده‌اند که» (۱۳۷۰: ۲).

۴. «اما راویان اخبار و ناقلان آثار و طوطیان شکرشکن شیرین‌گفتار و نغمه‌سرایان خیل شاخسار» (۱۳۸۶: ۷).

۵. رک: ذوالفقاری، *قصه‌شناسی نوش‌آفرین‌نامه*.

۶. گزاره قلبی آغازین متن «اما راویان اخبار و ناقلان آثار و طوطیان شکرشکن شیرین‌گفتار» (۱۳۹۲: ۲۱).

۷. جالب توجه است که در کتاب *قصه‌نوش‌آفرین گوهرتاج* که از نظر زمانی و محتوایی یکی از نزدیک‌ترین متون به *زرین‌ملک* و *امیرارسلان* است، جز در چند مورد انگشت‌شمار گزاره‌ها و

اسامی و ابیات مشترک دیده نمی‌شود. درباره گزاره‌های قالبی مشترک پرسامد این متن با متون مورد نظر ما، تنها می‌توان به گزاره «القصه» و «چند کلمه از ... بشنو» اشاره کرد که مجموعاً ۳۸ مورد به چشم می‌خورد و در مقایسه با متون ما کاربردی نابجا و صرفاً پینه‌زننده میان دو بخش مجزای داستان است. از نظر ابیات مشترک فقط دو مورد به چشم می‌خورد:

«مرا دردی‌ست اندر دل اگر گویم زبان سوزد / اگر دم درکشم ترسم که مغز استخوان سوزد / منجم کوبک بخت مرا از برج بیرون کن / که من کم‌طالعم ترسم ز آهم آسمان سوزد» (قصه نوشتن آفرین گوهرتاج، ۱۳۹۲: ۲۶). «چو بوسید پیکان سرانگشت او / گذر کرد از مهره پشت او» (همان، ۸۳). و تنها اسم مشترک دو متن «ملک‌بهمن» (۹۶/۲۷) است.

8. Type

۹. برای آشنایی بیشتر رک: یآوری، از قصه به رمان، ۱۷۳.

۱۰. در معنای به هوا بلند شدن.

۱۱. برای مثال رک: امیرارسلان، ۹۶/۲۷ و ۱۶۰/۴.

۱۲. برای نمونه در این جا ردّ و بدل شدن دشنام بین امیرارسلان و الماس‌خان را که حالت رجز دارد می‌آوریم:

«امیرارسلان رگ غیرتش به حرکت آمد ... نغره برآورد: ای حرام‌زاده! اگر می‌دانستم این قدر ناجوانمرد و بی‌غیرت هستی هرگز رو نمی‌انداختم و خواهش از تو نمی‌کردم. حقا که نامردی و از قبحه‌های عالم کمتری. لچک خراباتیان فرنگ بر سر توست؟

الماس‌خان صدا برآورد: مادر بخطای ولدالزنا! مرا نامرد می‌خوانی و فحش می‌دهی؟ اگر با شمشیر شقه‌ات نکنم نامرد باشم. حرام‌زاده به من نامربوط می‌گویی؟ بیا پایین دست به بند بده ما را معطل مکن.

امیرارسلان قاه‌قاه خندید و شیشکی انداخت و گفت: ولدالزنا، حرام‌زاده! تو مرا با شمشیر شقه می‌کنی؟ آن‌که مرا شقه بکند هنوز به دنیا نیامده است. سگ کیستی بتوانی چپ به من نگاه کنی؟».

منابع

ابن فریدون شاه ختایی (۱۳۹۴). *ملک‌بهمن*. تهران: ققنوس.

بالایی، کریستف (۱۳۷۷). *پیدایش رمان فارسی*. ترجمه مهوش قدیمی و نسرین خطاط. تهران: معین.

جمال‌زاده، محمدعلی (۱۳۴۳). «دو روزی با ناصرالدین‌شاه در چمن‌زارهای سویس». *یغما*. ش ۵، س ۸. مرداد ۱۳۴۴. صص ۲۰۶-۲۱۷.

داد، سیما (۱۳۷۶). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. تهران: مروارید.

زرین‌ملک و امیرارسلان: دو متن از یک نقال _____ هادی یآوری و همکاران

- دقایقی مروزی (۱۳۱۰). *بختیارنامه*. تهران: ارمغان.
- سیف‌الدینی، علیرضا (۱۳۸۶). *حسین کرد شبستری*. تهران: ققنوس.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۱). «نگاهی به طراز‌الخبار». *نامه بهارستان*. س ۳. ش ۱. صص ۱۰۹-۱۲۲.
- عرب‌زاده یعقوبی (۱۳۶۴). *فلک‌ناز و خورشید‌آفرین و سرو و گل طناز*. تهران: آیدا.
- فرسایی، محمد. (۱۳۷۰). *امیرحمزه صاحب‌قران*. تهران: سعدی.
- مارزلف، اولریش (۱۳۷۱). *طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی*. ترجمه: کیکاووس جهان‌داری. تهران: سروش.
- (۱۳۷۴). *قصه‌های مشدی‌گلین‌خانم*. تهران: مرکز.
- (۱۳۹۲). *قصه نوش‌آفرین گوهرتاج*. تهران: به‌نگار.
- محبوب، محمدجعفر (۱۳۸۳). *ادبیات عامیانه ایران (مجموعه مقالات درباره افسانه‌ها و رسوم مردم ایران)*. تهران: چشمه.
- معیرالممالک، دوستعلی (۱۳۳۴). «رجال عصر ناصری». *یغما*. س ۸. ش ۱۲. صص ۵۵۴-۵۵۶.
- (۱۳۶۲). *یادداشت‌هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین‌شاه*. چ ۲. تهران: تاریخ ایران.
- نظامی عروضی، الیاس (۱۳۸۵). *چهارمقاله*. به تصحیح علامه قزوینی. تهران: جام.
- نقیب‌الممالک، محمدعلی (۱۳۲۷). *ملک جمشید و طلسم آصف و حمام بلور*. تهران: فهم.
- (۱۳۴۰). *امیرارسلان*. به تصحیح محمدجعفر محبوب. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- یآوری، هادی (۱۳۸۸). «گزاره‌های قالبی در امیرارسلان». *نقد ادبی*. ش ۴. صص ۱۸۵-۱۵۳.
- (۱۳۸۸). «نقش بافت و مخاطب در تفاوت سبک نثر امیرارسلان و ملک جمشید». *جستارهای ادبی*. ش ۱۶۷. صص ۱-۲۵.
- (۱۳۹۰). *از قصه به رمان*. تهران: سخن.
- Marzolph, U. (1999 14/2). "A Treasury of Formulaic Narrative: The Persian Popular Romance Hosein-e kord". *Oral Tradition*. No ۱۴ . pp. 279-303.

